■ یک‌شنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۲ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۳ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

۲

بیانیه بیش از ۱۲۰ اقتصاددان استاد دانشگاه و کارشناس اقتصادی خطاب به دولت پزشکیان:

با گران‌سازی کشور را اداره نکنید

مطالبه کلیدی بیانیه در یک نگاه:

- توقف گرانسازی
- تغییر تیم اقتصادی دولت
- تشکیل ستاد جنگ اقتصادی
- پاسخگویی مسئولان ناکارآمد
- دفاع از قدرت خرید مردم
- تقویت ارزش پول ملی
- مقابله با رانت و فساد
- حمایت از تولیدکنندگان
- به‌رسمیت‌شناختن حق مطالبه‌گری مردم
- کنارگذاشتن نسخه‌های شکست‌خورده

۲

فرمانده کل سپاه:

اتفاقاتی که برای دشمن افتاده، تازه ابتدای راه است



فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: اتفاقاتی که برای دشمنان مارخ می‌دهد، تازه ابتدای کار است و ذلت و زبونی بی‌اندازه آنان را خواهید دید و خواهیم دید.

سرلشکر پاسدار احمد وحیدی روز شنبه در شهر موشکی جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: دبیرکل ناتو اعلام کرد که پنج هزار پرواز از سوی کشورهای عضو این سازمان انجام شده است، این اظهارنظری بود که نشان می‌داد همه آنها در میدان حضور داشتند. اما به اذن خداوند، «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ».

فرمانده کل سپاه افزود: اتفاقاتی که برای دشمنان مارخ می‌دهد، تازه ابتدای کار است. ذلت و زبونی بی‌اندازه آنان را خواهید دید و خواهیم دید.

سرلشکر وحیدی ادامه داد: ان‌شاءالله به فضل الهی، آشکار خواهد شد که حق بر باطل پیروز است: خداوند اراده فرموده است حق را محقق و باطل را نابود کند.

فرمانده هوافضای سپاه: صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم

فرمانده نیروی هوافضای سپاه در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید تاکید کرد: میدان در اختیار ایران است و صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم.

سردار سرتیپ سید مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه روز شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۵ در رونمایی از شهر موشکی جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: ما در همه ساحات مأموریتی خود آماده اجرای فرامین فرمانده معظم کل قوا و فرماندهی سپاه هستیم. وی افزود: توانمندی‌های هوافضا در حد فاصل میان دو جنگ افزایش یافته و شگفتانه‌ها و محصولات کارآمدی از جنس مرعوب‌کننده و بازدارنده و منحصربه‌فرد در این سازمان شکل گرفته است.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه تاکید کرد: مطمئن هستیم به برکت ایثار، ازخودگذشتگی و مجاهدت رزمندگان، میدان در اختیار ما است و صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم. حتما در اعمال قدرت و مقابله با تهدیدات، هیچ درنگی وجود نخواهد داشت.

۳

به جای نمایش تاریکی چراغ خدمت را روشن کنید

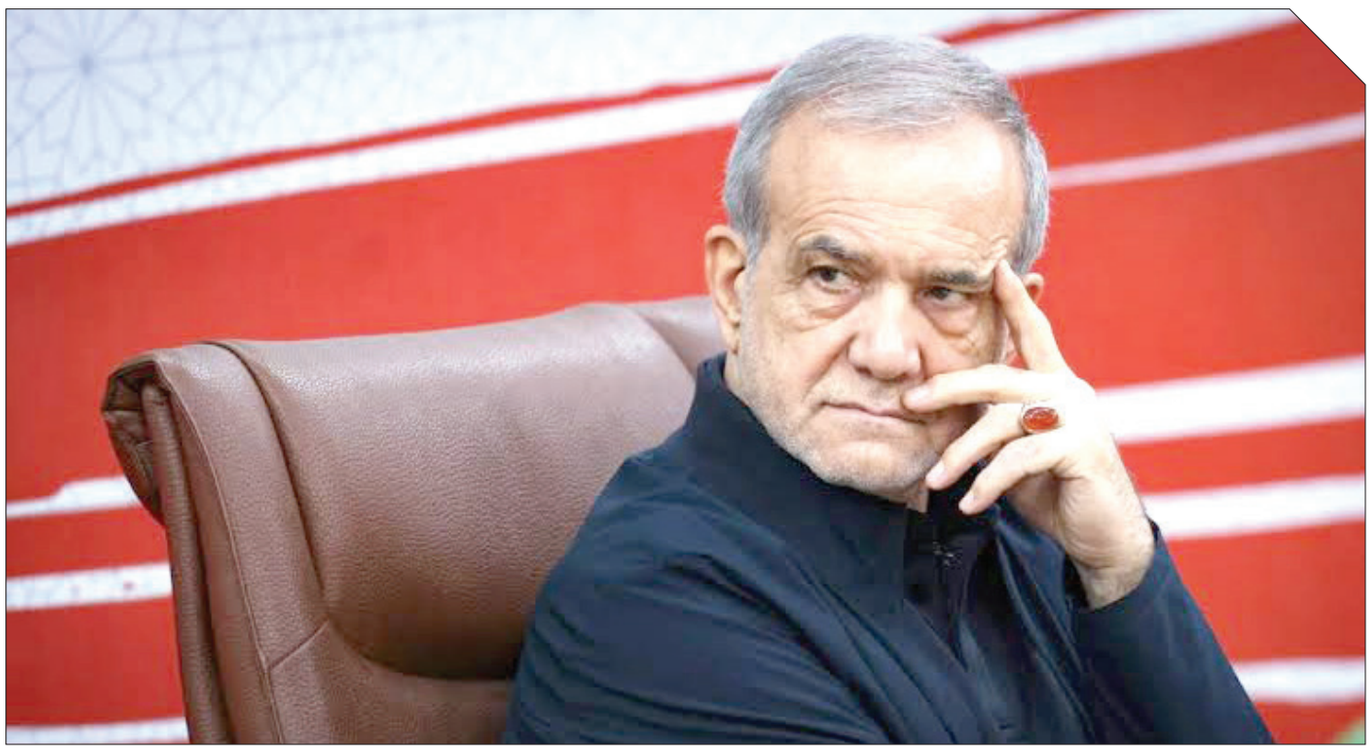


انتشار تصاویر مصاحبه تلویزیونی رئیس جمهور در اتاقی تاریک و سرد، در حالی که پزشکیان با کاپشن پشت دوربین نشسته است، صرفاً یک اقدام تبلیغاتی برای ترویج صرفه‌جویی در مصرف انرژی نیست؛ این تصویر در شرایط حساس جنگی، حامل پیام‌های سیاسی و امنیتی نیز هست؛ پیام‌هایی که متأسفانه می‌تواند از سوی دشمنان ایران به‌عنوان نشانه ضعف، ناتوانی و شکنندگی کشور تفسیر و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.



چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۳

گزارش



بیانیه بیش از ۱۲۰ اقتصاددان، مدیر و کارشناس اقتصادی خطاب به دولت پزشکیان:

با گران‌سازی، کشور را اداره نکنید

۱۰ محور اصلی و مهم بیانیه بیش از ۱۲۰ اقتصاددان و کارشناس اقتصادی

بیش از ۱۲۰ اقتصاددان، مدیر و متخصص حوزه‌های مختلف اقتصادی و حکمرانی، با صدور بیانیه‌ای نسبت به سیاست‌های اقتصادی تحمیل‌کننده فشار بر معیشت مردم انتقاد کرده و خواستار تغییر رویکردهای غلط اقتصادی، اصلاح فرماندهی اقتصادی کشور، پاسخگویی مسئولان و دفاع از حق مردم برای مطالبه عدالت و معیشت شده‌اند.

در این بیانیه آمده است: فجایعی چون کاهش «ارزش پول ملی» که به تعبیر امام شهید «آبروی کشور» است، گران کردن بنزین و بازی با کارت‌های سوخت، گران کردن گاز و برق و اقلام ضروری زندگی و تصمیماتی که هر روز آرامش روانی و معیشت مردم را نشانه می‌رود حاکی از این واقعیت تلخ هستند که اقتصاد کشور قربانی نسخه‌هایی شده است که سال‌هاست با روکش دروغین اصلاحات و جراحی اقتصادی به مردم تحمیل می‌شوند. نسخه‌هایی که هر بار با بهانه باز کردن گرهی از زندگی مردم نوشته شدند اما گره تازه‌ای بر زندگی مردم زدند. اما این بار مردم فریب نخواهند خورد. نه فریب کسانی را که می‌گویند: «هیچ راهی جز گران کردن و فشار بر سفرهٔ مردم وجود ندارد» و نه فریب کسانی را که می‌خواهند از نارضایتی مردم برای تسویه‌حساب با انقلاب و ایران اسلامی استفاده کنند.

ما اقتصاددانان و متخصصان حوزه‌های مختلف حکمرانی و عدالت‌خواه به‌عنوان بخشی از مردم مظلوم و مقتدر ایران بر سر عاملان بی‌عدالتی و مسببان ناکارآمدی در دولت و رهاسازان اقتصاد ایران فریاد می‌زنیم تا شاید به خود بیایند و از مسیر غلطی که در آن پای نهادند برگردند:

فریاد اول: راه‌حل وجود دارد

مشکلات اقتصادی ایران نه بی‌راه‌حل‌اند و نه قابل انکار. راهکارهای علمی و اجرایی برای برون‌رفت از این وضعیت بارها ازسوی اقتصاددانان انقلابی و عدالت‌خواه ارائه شده است. مشکل اینجاست که دهه‌هاست یک جریان فکری خاص بر اتاق فرمان اقتصاد کشور مسلط شده و از تریبون‌ها و رسانه‌های پرقدرت برخوردار بوده است اما در مقابلِ آن‌ها صدای اقتصاددانانی که استقلال کشور و عدالت اجتماعی را مقدّم بر رضایت سرمایه‌داران و تسلیم‌طلبان و غرب‌گرایان می‌دانند شنیده نشده است. اینکه برای هر تصمیم غلطی بهانه‌ای از قبیل قاچاق و کسری و ناترازی و ضرورت آزادسازی قیمت‌ها ردیف شود دیگر قابل قبول نیست. مردم حق دارند بپرسند که چرا همیشه ساده‌ترین راه برای مدیران اقتصادی گران کردن زندگی مردم است؟ چرا به‌جای تغییر چارچوب‌های فاسد و مقابله با رانت‌خواری و انحصار و فساد دست در جیب مردم می‌کنند؟ دروغ است اگر بگویند هیچ راه دیگری وجود ندارد. راه بلکه راه‌های بسیار وجود دارد اما ارادهٔ اجرای آن در این جریان اقتصادی و مدیران غرب‌زده دیده نمی‌شود.

فریاد دوم: با این فرماندهان اقتصادی به مقصد نمی‌رسیم

با تیم اقتصادی فعلی و تفکری که امروز سکّان اقتصاد کشور را در دست دارد نمی‌توان انتظار گشایش داشت. اقتصاد ایران در شرایط جنگ اقتصادی به یک فرماندهی متمرکز و مقتدر نیاز دارد. به یک ستاد جنگ اقتصادی محتاج است که به‌جای تکرار نسخه‌های شکست‌خورده و توصیه‌های صندوق بین‌الملل پول، تمام ظرفیت کشور را برای حل ریشه‌ای مشکلات بسیج کند بلکه به‌جای رویکرد دفاعی در جنگ اقتصادی رویکرد تهاجمی اتخاذ نماید. اگر دولت در همهٔ حوزه‌ها تغییر نمی‌کند دست‌کم فرماندهی اقتصادی آن باید تغییر کرده و در میانهٔ یک جنگ تمام‌عیار ترکیبی و اقتصادی از دولت در حوزهٔ اقتصاد خلعید شود. تهدیدها باید به فرصت تبدیل شوند و اقتصاد کشور از زیر سلطهٔ تفکری که نسخه‌ای جز فشار بر مردم ندارد خارج شود. این مسئله دیگر فقط یک اختلاف‌نظر دانشگاهی نیست. پای زندگی میلیون‌ها ایرانی و امنیت کشور و پیروزی و خدای نکرده شکست در یک جنگ وجودی در میان است.

فریاد سوم: وفاق با مردم یا وفاق علیه مردم؟

آن دسته از مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس و صاحبان تریبون که به نام وفاق از این سیاست‌ها حمایت می‌کنند یا در برابر آن سکوت می‌کنند باید بدانند که مردم حمایت و سکوت آنان را فراموش نخواهند کرد. وفاق اگر به معنای همدستی برای تحمیل فشار اقتصادی بر مردم باشد نه عقلانیت است، نه مشروع است و نه در راستای حفظ وحدت و انسجام ملی. وفاق واقعی باید حول عدالت و استقلال و دفاع از منافع عمومی شکل بگیرد. نمی‌توان به نام وحدت دهان منتقدان را بست و از مردم خواست هزینهٔ تصمیمات غلط مدیران را بدون اعتراض بپردازند. هر مسئولی که در برابر این سیاست‌ها می‌ایستد باید مأذون و مأجور باشد و هر مسئولی که از آن‌ها دفاع می‌کند باید مسئولیت سیاسی و اجرایی مواضع خود را بپذیرد.

فریاد چهارم: نمی‌گذاریم مردم را سپر سیاست‌های معیشت‌سوز کنید

امروز دو جبهه در برابر مردم قرار دارند. یک جبهه کسانی هستند که با تصمیمات غلط و نسخه‌های لیبرالی سفرهٔ مردم را کوچک می‌کنند. جبههٔ دیگر کسانی هستند که از همین مشکلات برای ضربه زدن به امنیت و استقلال و اصل انقلاب سوءاستفاده می‌کنند. مردم به غیر از خودشان و امامشان با هیچ‌کسی عقد اخوت و ولایت نبسته‌اند. اگر کسی در خیابان به نام دفاع از انقلاب خواست اعتراض اقتصادی مردم را با چماقِ وفاق خاموش کند باید بداند که بویی از انقلاب و انقلابی‌گری نبرده است. اگر کسی هم بخواهد با سوءاستفاده از اعتراض مردم اصل نظام و امنیت کشور را هدف بگیرد باید بداند که مردم اجازه نخواهند داد سرمایهٔ اجتماعی و استقلال کشور قربانی نقشهٔ دشمنان شود و آن نیت‌های شومی که در دی‌ماه ۱۴۰۴ به کودتا منجر شد و ناقص ماند را تکمیل کنند. مردم صاحب این انقلاب‌اند... نه دولت مالکِ مردم است و نه مخالفانِ انقلاب نمایندهٔ مردم.

۱۰ مطالبه کلیدی بیانیه در یک نگاه:

- توقف گرانسازی
- تغییر تیم اقتصادی دولت
- تشکیل ستاد جنگ اقتصادی
- کنارگذاشتن نسخه‌های شکست‌خورده
- پاسخگویی مسئولان ناکارآمد
- دفاع از قدرت خرید مردم
- تقویت ارزش پول ملی
- مقابله با رانت و فساد
- حمایت از تولیدکنندگان
- به‌رسمیت‌شناختن حق مطالبه‌گری مردم

فریاد ششم: این بار مردم نقطه‌زنی خواهند کرد

دیگر اجازه نخواهیم داد تا مسئولیت تصمیمات غلط اقتصادی لیبرال‌ها به گردن رهبری و نظام انداخته شود و با هرکسی که چنین کند مقابله خواهیم کرد. مردم باید بدانند چه کسی تصمیم گرفته و چه کسی اجرا کرده و چه کارشناسان و رسانه‌هایی از آن حمایت کرده‌اند. مسئولیت این سیاست‌ها متوجه طراحان و مجریان و حامیان آن‌ها ازجمله مسئولان اقتصادی دولت و مجلس و حامیان ایشان در سایر نهادهاست. هیچ‌کس نباید پشت عنوان‌های کلی پنهان شود. هرکس مسئول اتخاذِ تصمیمی است قطعاً باید دربارهٔ پیامدهای آن پاسخگو باشد. مردم قرار نیست هزینهٔ بی‌مسئولیتی برخی مدیران را بدهند و بعد هم به سکوت دعوت شوند. این بار مطالبهٔ مردم روشن و دقیق است: تغییر سیاست‌ها و چارچوب‌های غلط و کنارگذاشتن مدیران ناکارآمد و پاسخ‌گویی مسئولان و بازگشت «تفکر و نگاه انقلابی و روحیهٔ جهادی» به فرماندهی اقتصادی و حکمرانی کشور.

فریاد هفتم:

تا چه زمانی قرار است هزینه ناکارآمدی‌ها، تصمیمات ناپایدار و سیاست‌گذاری‌های متناقض این جریان از جیب مردم و تولیدکنندگان پرداخت شود؟ تا چه زمانی باید فعالیت‌های مولد کشور هزینه تصمیماتی را بپردازند که نتیجه آن‌ها افزایش نااطمینانی، تضعیف تولید و گسترش فعالیت‌های غیرمولد است؟ تکرار خطاهایی که آثار مخرب آن‌ها پیش‌تر آشکار شده است، نه قابل توجیه است و نه با الزامات شرایط خطیر کنونی کشور سازگاری دارد. در این مقطع که دشمنان خارجی و امتداد آنها در داخل چشم طمع به نابودی ایران بسته‌اند، کشور بیش از هر چیز به توقف تصمیمات و رویه‌های مخرب، تقویت ارزش پول ملی، جلوگیری از شوک‌های قیمتی، جبران قدرت خریدِ ازدست‌رفتهٔ مردم به‌ویژه محرومین و مستضعفین، مبارزه با مفسدین اقتصادی و قاچاق سازمان‌یافته و حمایت واقعی از فعالیت‌های مولد نیاز دارد.

فریاد آخر: این بار خیابان سلاح مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی خواهد شد

در دستِ مردمِ مبعوث‌شده نه سلاحی برای جنگ با یکدیگر و نه ابزاری برای آشوب و تخریب وجود ندارد. ما اقتصاددانان و مدیران و متخصصان انقلابی در کنار این مردم و در میان اقیانوس پیشروان بصیرت می‌مانیم. این بار خیابان سلاح مطالبه‌گری و نظارت عمومی و عدالت‌خواهی می‌شود. مردم با حضور آگاهانه و مطالبه‌گری مستمر اجازه نخواهند داد که نه دولت از مسئولیت فرار کند و نه دشمن از اعتراض آنان نردبان بسازد. مطالبه و نظارت مردم، اغتشاش نیست بلکه فریاد عدالت‌خواهی است. بازپس‌گرفتن حقی است که برای آن انقلاب کردند و پای آن ایستادند. این مردم برای استقلال و آزادی و عدالت و امنیت و رفاه انقلاب کردند. قرار نبود به واسطهٔ تسلط و نفوذ جریان وادادهٔ لیبرال و غربزده‌هایی که رهبر کبیر انقلاب اسلامی امر به بیرون ریختن آن‌ها کردند امروز شاهد آن باشیم که «استقلال سیاسی» به وابستگی اقتصادی و «عدالت‌خواهی» به توجیه فشار بر محرومان و «آزادی» به سکوت در برابر تصمیمات غلط تبدیل شود. این بار مردم نه انقلاب را به جریان غرب‌زده و نه اعتراض خود را به دشمنان ایران واگذار می‌کنند.

خیابان، ملک و سنگر و سلاح و میدانِ نبرد مردم ایران است و این‌بار مردم از آن برای بازپس‌گیری انقلاب و عدالت از دست نااهلان و نامحرمان استفاده خواهند کرد و ذیل آفتاب ولایت و هدایت امام سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله‌تعالی) در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی گام خواهند نهاد و تا ظهور سرورمان امام عصر (ارواحنافداه) از پای نخواهند نشست. ان‌شاءالله

فریاد پنجم: خیابان مال مردم است

خیابان مِلک طِلق مردم است. مردمی که در تمام این سال‌ها از کشور دفاع کرده‌اند. مردمی که در روزهای سخت پای امنیت و استقلال ایران ایستاده‌اند. همان‌هایی که زیر سایه تهدید روی پل‌ها و دور نیروگاه‌ها و در میدان‌های دفاع از حق حضور پیدا کرده‌اند امروز نیز حق دارند برای عدالت و معیشت و کرامت خود مطالبه‌گری کنند. این مردم دو دسته نیستند. آن مردمی که از ایران دفاع می‌کنند با آن مردمی که از گرانی و بی‌عدالتی به ستوه آمده‌اند یک ملت‌اند. قیام مردم قیام به قِسط است. این قیام نه قیامی است برای حفظ بی‌عدالتی و نه مجوزی برای سوءاستفاده دشمنان. هیچ‌کس حق ندارد به بهانهٔ احتمال سوءاستفاده دشمن، مردم را از مطالبه بازدارد. اتفاقاً یکی از بزرگ‌ترین روزنه‌های امید دشمن همین است که مردم از مطالبهٔ عدالت مأیوس شوند و خیابان را به میدان تقابل مردم با یکدیگر تبدیل کند. غرب‌زده‌ها برای اجرای سیاست‌های معیشت‌سوز خود، با ایجاد فرصت‌های کاذبی چون ذی‌نفع کردن آن‌ها در دارایی‌های دلاری و سهمیه بنزین، تلاش می‌کنند مردم را فریب دهند و آن‌ها را با این تصور که گران‌سازی به نفعشان است، به سپری تبدیل کنند که در مقابل سایر مردم بایستند. یا طوری به مردم وانمود کنند که هر اعتراضی به سیاست‌های نادرست، انتقاد به حاکمیت و اصل نظام است و با این فریب، مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند. جوانان و نوجوانان نیز باید مراقب باشند. جریان لیبرال سرمایه‌داری زالوصفت و الیگارشی اقتصادی درصدد است دوباره از آن‌ها به‌عنوان سپر استفاده کند تا پشت سرِ فطرتِ عدالت‌خواه و آزادگی‌طلب ایشان به سیاست‌های معیشت‌سوز خود ادامه دهد. مبادا جوانی که دل در گرو عدالت و ایران دارد ناخواسته به سپر بلای کسانی تبدیل شود که نتیجهٔ سیاست‌هایشان چیزی جز فشار بر همان جوان و خانواده‌اش نیست.

۱- اعتراض به سیاست‌های گرانی‌ساز دولت: کاهش ارزش پول ملی، افزایش قیمت بنزین، گاز، برق و کالاهای اساسی، نتیجه نسخه‌های شکست‌خورده‌ای است که به نام اصلاحات اقتصادی بر مردم تحمیل می‌شود.

۲- رد ادعای نبود راه‌حل اقتصادی: برخلاف ادعای مدیران دولتی، راهکارهای علمی و اجرایی فراوانی برای مهار مشکلات اقتصادی وجود دارد؛ اما اراده‌ای برای اجرای آن‌ها دیده نمی‌شود.

۳- لزوم تغییر فرماندهی اقتصادی دولت: تیم اقتصادی فعلی و تفکر حاکم بر آن توانایی عبور از بحران را ندارد و باید فرماندهی اقتصاد کشور تغییر کند.

۴- انتقاد از نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول: اقتصاد ایران به‌جای تکرار توصیه‌های شکست‌خورده نهادهای بین‌المللی، به یک ستاد مقتدر جنگ اقتصادی و راهبرد تهاجمی نیاز دارد.

۵- هشدار درباره وفاق علیه مردم: حمایت یا سکوت مسئولان دولت و مجلس در برابر سیاست‌های معیشت‌سوز، به نام وفاق قابل توجیه نیست؛ وفاق واقعی باید حول عدالت و منافع عمومی شکل بگیرد.

۶- مردم سپر سیاست‌های غلط دولت نیستند: نباید با طرح‌هایی مانند سهیم‌کردن مردم در دارایی‌های دلاری و سهمیه بنزین، آنان را به حامی افزایش قیمت‌ها و مقابل یکدیگر تبدیل کرد.

۷- حق اعتراض و مطالبه‌گری اقتصادی مردم: اعتراض به گرانی و بی‌عدالتی حق مردم است و نباید با برچسب‌های سیاسی یا بهانه احتمال سوءاستفاده دشمن سرکوب شود.

۸- لزوم پاسخگویی طراحان و مجریان سیاست‌های غلط: مسئولان اقتصادی دولت و مجلس و کارشناسان و رسانه‌های حامی سیاست‌های مخرب باید درباره تصمیمات و پیامدهای آن پاسخگو باشند؛ هیچ‌کس نباید پشت عناوین کلی پنهان شود.

۹- ضرورت توقف شوک‌های قیمتی و حمایت از تولید: تقویت ارزش پول ملی، جبران قدرت خرید ازدست‌رفته محرومان، مبارزه با فساد و قاچاق سازمان‌یافته و حمایت از فعالیت‌های مولد باید در اولویت قرار گیرد.

۱۰- بازگشت تفکر انقلابی و جهادی به مدیریت اقتصاد: خیابان باید به میدان مطالبه‌گری، نظارت عمومی و عدالت‌خواهی تبدیل شود؛ نه میدان تقابل مردم با یکدیگر و نه ابزاری برای سوءاستفاده دشمنان.

	نام و نام خانوادگی	تخصص و درجه علمی
۱.	آیت‌الله دکتر احمدعلی یوسفی	اقتصاددان، مدرس درس خارج و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲.	دکتر سیدیاسر جبراییلی	سیاست‌مدار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی
۳.	دکتر حسین صمصامی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه و نماینده مجلس شورای اسلامی
۴.	دکتر محمدمنان رئیسی	عضو هیات علمی دانشگاه و نماینده مجلس شورای اسلامی
۵.	حجت‌الإسلام دکتر غلامعلی معصومی نیا	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۶.	دکتر محمدجواد توکلی	اقتصاددان و عضو هیات علمی موسسه امام خمینی ره
۷.	حجت‌الإسلام دکتر محمدکاظم رجایی	اقتصاددان و عضو هیات علمی موسسه امام خمینی ره
۸.	دکتر مهدی خداپرست	عضو هیات علمی دانشگاه و استادتمام
۹.	دکتر سیدمحمد آقامیری	اقتصاددان، مدیر و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۰.	دکتر محمدرضا یزدی‌زاده	اقتصاددان
۱۱.	دکتر علی استادهاشمی	عضو هیات علمی دانشگاه، مدیر و متخصص مدیریت مالی
۱۲.	دکتر مهدی مشفق	عضو هیات علمی دانشگاه و متخصص مدیریت
۱۳.	حجت‌الإسلام دکتر حمزه معلی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۴.	دکتر ابوالقاسم توحیدی نیا	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۵.	دکتر حمیدرضا حری	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۶.	دکتر حمیدرضا مقصودی	اقتصاددان، مدیر و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۷.	دکتر سید حمید جوشقانی نائینی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۸.	دکتر علی سعیدی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۱۹.	دکتر علی نعمتی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۰.	دکتر مجتبی غفاری	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۱.	دکتر محمدجواد قاسمی اصل	اقتصاددان و عضو هیات علمی موسسه امام خمینی ره
۲۲.	دکتر محمود کریمی بیرانوند	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۳.	دکتر مهدی رعایایی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۴.	دکتر مهدی محمدی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۵.	دکتر هادی امیری	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۶.	دکتر وحید ارشدی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۷.	دکتر عزیزالله فهیمی	حقوق‌دان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۸.	دکتر روح‌اله اکرمی	حقوق‌دان و عضو هیات علمی دانشگاه
۲۹.	دکتر احسان یاوری	حقوق‌دان و عضو هیات علمی دانشگاه
۳۰.	حجت‌الاسلام دکتر محمد وحید صافی اصفهانی	مدرس حوزه و دانشگاه
۳۱.	حجت‌الإسلام دکتر سعدی صفاری	مدرس دانشگاه
۳۲.	حجت‌الإسلام دکتر فرهاد داودی‌پور	مدرس حوزه و دانشگاه
۳۳.	حجت‌الإسلام دکتر محمدجمال شاکری شمسی	اقتصاددان و مدرس حوزه و دانشگاه
۳۴.	دکتر مهدی ضیائی	اقتصاددان
۳۵.	دکتر ابوالفضل ساجدی	استاد دانشگاه
۳۶.	دکتر احسان اله باقری	عضو هیات علمی دانشگاه
۳۷.	دکتر احسان حسنی	دکتری مدیریت تکنولوژی
۳۸.	دکتر احسان نیکزاد	دکترای شیمی
۳۹.	دکتر احمد قانونی	دکترای مهندسی برق قدرت
۴۰.	دکتر اکبر ابدالی	متخصص اقتصاد مقاومتی و مدیریت راهبردی
۴۱.	دکتر امید ایزانلو	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۴۲.	دکتر امیرداود حیدرپور	عضو هیات علمی دانشگاه

	نام و نام خانوادگی	تخصص و درجه علمی
۴۳.	دکتر امیررضا علی نقیان	استاد دانشگاه
۴۴.	دکتر بی بی سادات رضی بهابادی	عضو هیات علمی دانشگاه
۴۵.	دکتر حامد فروزان	مدرس دانشگاه و متخصص علوم ارتباطات
۴۶.	دکتر حسن بوژمهرانی	اقتصاددان
۴۷.	دکتر حسن محمدی	مدرس دانشگاه و دکتری انقلاب اسلامی
۴۸.	دکتر ربابه غلامی	استاد دانشگاه
۴۹.	دکتر رحمان یاسی	دکتری سیاستگذاری
۵۰.	دکتر روح اله صابری	حقوق‌دان و مدرس دانشگاه
۵۱.	دکتر سجاد مظفری	مدرس دانشگاه
۵۲.	دکتر سید صفاعلی فاطمی	استاد دانشگاه
۵۳.	دکتر سیده زهرا یعقوبی	عضو هیات علمی و پژوهشگر دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۵۴.	دکتر شمس الدین روحانی	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۵۵.	دکتر طاهره کریمی محلی	مدرس حوزه و دانشگاه
۵۶.	دکتر عباس ویشته	دکتری مدیریت
۵۷.	دکتر عباس هاشمی زاده	دکتری مهندسی نفت
۵۸.	دکتر عبدالخالق کریمی	دکتری قرآن و اقتصاد
۵۹.	دکتر عبدالصاحب جمشیدی	دکتری ژئوپلیتیک
۶۰.	دکتر علی اکبر داودی‌پور	دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران
۶۱.	دکتر علی اکبر محمد علیئی	دکتری مدیریت دولتی منابع انسانی
۶۲.	دکتر علی رضا یوسفی	دکترای برنامه‌ریزی مدرس برنامه‌ریزی
۶۳.	دکتر علی فرمانی	عضو هیات علمی دانشگاه و متخصص الکترونیک
۶۴.	دکتر علی اصغر هاشم‌پور	اقتصاددان
۶۵.	دکتر علیرضا کیانپور	حقوق‌دان و مدرس دانشگاه
۶۶.	دکتر علیرضا مقصودی	متخصص مدیریت راهبردی
۶۷.	دکتر غلامحسین عبداللهی	دکتری علوم سیاسی
۶۸.	دکتر قاسم عسکری	اقتصاددان
۶۹.	دکتر کریم ابراهیمی	عضو هیات علمی دانشگاه و متخصص مدیریت صنعتی
۷۰.	دکتر مجتبی شیخی ده‌آبادی	اقتصاددان و مدرس حوزه و دانشگاه
۷۱.	دکتر مجتبی عزیززاده	مدرس دانشگاه متخصص مدیریت
۷۲.	دکتر محمد احمدی راد	دکتری فیزیک و مدرس دانشگاه
۷۳.	دکتر محمد امیر کسمائی	استاد دانشگاه
۷۴.	دکتر محمد مطلبی فشارکی	اقتصاددان
۷۵.	دکتر محمدرضا احمدی	مدرس و پژوهشگر حوزه و دانشگاه در علوم دفاعی راهبردی
۷۶.	دکتر محمدطاهر رحیمی	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۷۷.	دکتر محمدمهدی سکوتی	استاد دانشگاه
۷۸.	دکتر مرتضی صالحی	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۷۹.	دکتر مهدی پوررضا	استاد دانشگاه
۸۰.	دکتر مهدی تابنده	دکتری تاریخ انقلاب اسلامی
۸۱.	دکتر مهدی حسنی	دکتری جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی
۸۲.	دکتر میرهاشم موسوی	دکتری مطالعات امنیت ملی
۸۳.	دکتر ناصر اخوان بهابادی	استاد دانشگاه
۸۴.	دکتر نعمت اله ملاکریمی خوزانی	اقتصاددان
۸۵.	دکتر وحید قاسمی رشیدآبادی	دکتری اقتصاد

	نام و نام خانوادگی	تخصص و درجه علمی
۸۶.	دکتر یعقوب جمالی	اقتصاددان
۸۷.	حجت‌الإسلام سیدمحمدرضا رضی بهابادی	اقتصاددان و مدرس حوزه و دانشگاه
۸۸.	حجت‌الإسلام مجتبی امیری زنجیرانی	پژوهشگر اقتصاد مقاومتی
۸۹.	حجت‌الإسلام محمد رحیمی احمدبلدی	مدرس حوزه
۹۰.	حجت‌الإسلام محمد کهوند	مدرس حوزه و پژوهشگر حوزه سایبر
۹۱.	حجت‌الإسلام محمدسجاد پارسا	کارشناس و پژوهشگر
۹۲.	حجت‌الإسلام مسعود داوودی پور	اقتصاددان و مدرس حوزه و دانشگاه
۹۳.	احمد اصانلو	مدرس دانشگاه
۹۴.	باقر ابراهیمی لویه	کارشناس ارشد اقتصاد
۹۵.	بهادر ظاهری	پژوهشگر اقتصاد مقاومتی
۹۶.	تقی معین	کارشناس ارشد مدیریت
۹۷.	حسین حسنی	دانشجوی دکتری مدیریت مالی
۹۸.	حسین زمانی میقان	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۹۹.	حسین شهبازی	پژوهشگر اقتصادی سیاسی
۱۰۰.	خدیجه بهبودی	دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی
۱۰۱.	خدیجه عباسی	استاد دانشگاه
۱۰۲.	رضوان رحمتی پور	استاد دانشگاه
۱۰۳.	زهره درستی	مدرس حوزه و دانشگاه
۱۰۴.	سمیه رازجو	استاد دانشگاه
۱۰۵.	سید محسن اسداللهی	استاد دانشگاه
۱۰۶.	سید مرتضی حسینی	پژوهشگر فقه و اقتصاد
۱۰۷.	سید یاسر حکیمی	مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد
۱۰۸.	سیدامیرحسین حسینی	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۱۰۹.	صادق سلمانی	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۱۱۰.	حسین عباسی فر	پژوهشگر اقتصادی
۱۱۱.	علی رحیمی	پژوهشگر اقتصادی
۱۱۲.	علیرضا عباس پور	پژوهشگر اندیشکده تراب
۱۱۳.	مجتبی کریمی	پژوهشگر حوزه حکمرانی و سیاستگذاری عمومی
۱۱۴.	محسن باقری نصرآبادی	پژوهشگر سیاست کشاورزی
۱۱۵.	محمد حسین زاده	پژوهشگر اقتصادی و معیشتی
۱۱۶.	محمد حیدری	استاد حوزه و دانشگاه
۱۱۷.	محمد مهرجو	استاد حوزه و دانشگاه
۱۱۸.	محمدجواد معصومی نیا	اقتصاددان و مدرس دانشگاه
۱۱۹.	محمدرضا عزیزی	پژوهشگر حوزه فقه حکومتی
۱۲۰.	مرتضی غلامرضایی	مدرس انجمن مدرسان اقتصاد مقاومتی
۱۲۱.	مهدی دهقانی	دانشجوی دکتری اقتصاد
۱۲۲.	مهدی لطفی پور سلیمی	کارشناس ارشد اقتصاد
۱۲۳.	مهندس جواد تقی زاده	مدیر و کارشناس ارشد نفت
۱۲۴.	مهندس علیرضا اشراقی	کارشناسی ارشد مهندسی صنایع
۱۲۵.	مهندس مرتضی بحرینی	کارشناسی ارشد مهندسی نفت و کارشناس ارشد مناطق نفت خیز جنوب
۱۲۶.	ندا عطائی	کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات
۱۲۷.	وجیهه محمدی ثابت	کارشناس ارشد و پژوهشگر اقتصادی

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۳

اخبار



روسیه چگونه می‌تواند راه تجارت ایران را در محاصره آمریکا باز نگه دارد؟

با تشدید فشارهای آمریکا بر تجارت خارجی ایران، مسیرهای شمالی و به‌ویژه همکاری اقتصادی با روسیه بار دیگر اهمیت راهبردی پیدا کرده‌اند؛ ظرفیتی که با وجود رشد مبادلات، توافق‌های تجاری و توسعه کریدورهای ترانزیتی، هنوز با موانع زیرساختی، بانکی و عملیاتی روبه‌روست و برای تبدیل شدن به یک مسیر پایدار تجارت، به هماهنگی فراتر از توافق‌های سیاسی نیاز دارد.

با تشدید فشارهای آمریکا علیه تجارت خارجی ایران و اجرای طرح موسوم به «دروازه آهنین»، نگاه‌ها بار دیگر به ظرفیت همسایگان شمالی، به‌ویژه روسیه برای حفظ جریان تجارت کشور دوخته شده؛ مسیری که می‌تواند بخشی از فشار بر مبادلات خارجی را کاهش دهد اما به تنهایی قادر به جایگزینی ظرفیت بنادر جنوبی نیست.

تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد روابط اقتصادی تهران و مسکو از همکاری‌های محدود به شبکه‌ای از مبادلات کالایی، توافق‌های تعرفه‌ای، همکاری‌های بانکی و مسیرهای ترانزیتی تبدیل شده است؛ ظرفیتی که اکنون باید از مرحله توافق به عملیات واقعی برسد.

تجارت ایران و روسیه از همکاری محدود به مبادلات چند میلیارد دلاری رسید

مرحله جدید روابط اقتصادی ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ شکل گرفت. در سال‌های ابتدایی، مبادلات دو کشور محدود بود اما به‌تدریج با گسترش همکاری در حوزه‌های انرژی، کشاورزی و صنعت افزایش یافت. نقطه عطف این روند را باید در سال ۲۰۲۲ جست‌وجو کرد؛ زمانی که تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از جنگ اوکراین، ضرورت توسعه شرکای تجاری خارج از شبکه سنتی غرب را برای مسکو افزایش داد و تهران نیز به دنبال بازارهای جایگزین بود. حجم مبادلات دو کشور در سال ۲۰۲۲ حدود ۳.۶ تا ۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۳ حدود ۳.۷ تا ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم در سال ۲۰۲۴ به حدود ۴.۸ میلیارد دلار رسید. همچنین براساس اعلام مقام‌های روسی، تجارت دو کشور در ۱۱ ماه نخست ۲۰۲۵ با رشد ۱۳.۱ درصدی به حدود ۴.۸ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۲۶ نیز هنوز آمار نهایی سالانه تجارت دوجانبه منتشر نشده؛ با این حال، رشد تجارت اتحادیه اقتصادی اوراسیا با ایران در هفت ماه نخست سال، نشانه‌ای از تداوم ظرفیت همکاری منطقه‌ای است.

توافق تجارت آزاد اوراسیا هزینه ورود کالاهای ایرانی به بازار روسیه را کاهش داد

یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی روابط تهران و مسکو، اجرایی شدن توافق تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ۱۵ مه ۲۰۲۵ است. این توافق حدود ۹۰ درصد کالاهای مبادله‌شده را پوشش می‌دهد و میانگین تعرفه‌ها را از حدود ۲۰ درصد به ۴.۵ درصد کاهش داده است.

این تحول می‌تواند رقابت‌پذیری محصولات ایرانی در بازار روسیه و دیگر کشورهای عضو اتحادیه را افزایش دهد. محصولات کشاورزی، مواد غذایی و کالاهای صنعتی از جمله حوزه‌های برخوردار از این ظرفیت هستند؛ با این حال، کاهش تعرفه به تنهایی صادرات را افزایش نمی‌دهد و صادرکننده همچنان باید استانداردهای مقصد، بسته‌بندی، حمل منظم و وصول مطالبات را مدیریت کند.

تجربه جنگ نشان داد مسیر شمالی می‌تواند بخشی از تجارت را حفظ کند

جنگ ۱۲ روزه در خرداد ۱۴۰۴ آزمونی برای سنجش تاب‌آوری تجارت ایران و روسیه بود. بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی گمرک آستارا، از ۲۰ مارس تا ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵ حدود ۲۷۴ هزار تن کالا به ارزش بیش از ۱۴۵ میلیون دلار از مسیرهای ریلی و جاده‌ای این گمرک صادر شد که از نظر وزنی ۱۸ درصد بیشتر از دوره مشابه سال قبل بود. در تحولات نظامی سال ۲۰۲۶ نیز مسیر شمالی اهمیت خود را نشان داد. گزارش‌ها از اختلال کوتاه‌مدت در شاخه غربی کریدور شمال-جنوب و ازسرگیری حمل‌ونقل پس از دو روز حکایت داشت. این تجربه نشان می‌دهد مسیرهای شمالی می‌توانند در شرایط بحران بخشی از جریان تجارت را حفظ کنند اما پایداری آنها به همکاری کشورهای مسیر، امنیت مرزها و آمادگی شرکت‌های حمل‌ونقل وابسته است.

چه چیزی هزینه تجارت با روسیه را افزایش می‌دهد

با وجود ظرفیت مسیرهای آستارا، سرخس و اینچه‌برون و بنادر دریای خزر، استفاده مؤثر از این شبکه با موانعی روبه‌روست. نخستین چالش، محدودیت زیرساختی است. نبود اتصال ریلی کامل رشت-آستارا به طول ۱۶۲ کیلومتر، همچنان یکی از حلقه‌های مفقوده کریدور شمال-جنوب محسوب می‌شود. تحولات مربوط به توافق و تحویل اراضی این پروژه در سال ۲۰۲۶ به معنای بهره‌برداری از خط نیست و ساخت آن همچنان در مراحل پیش رو قرار دارد.

دومین مانع، پراکندگی مسئولیت‌ها در زنجیره حمل‌ونقل است. تاجر برای انتقال کالا با مجموعه‌ای از شرکت‌های حمل، فورواردرها، گمرکات و نهادهای مرزی مواجه است؛ در حالی که اختلال در عملکرد هر کدام می‌تواند کل معامله را متوقف کند. حتی اگر زیرساخت داخلی آماده باشد، انصراف شرکت حمل خارجی یا توقف واگن در شبکه کشور همسایه می‌تواند امکان استفاده از مسیر را از بین ببرد. سومین چالش به ظرفیت عملیاتی بنادر و پایانه‌ها بازمی‌گردد. محدودیت ناوگان دریایی خزر، ظرفیت تخلیه و بارگیری، تفاوت زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای و زمان انتظار در مرزها می‌تواند هزینه مسیر جایگزین را افزایش دهد. به همین دلیل، مسیرهای شمالی را باید مکمل شبکه تجارت کشور دانست، نه جایگزین کامل بنادر جنوبی.

تشکیل کنسرسیوم مشترک می‌تواند زمان واکنش به اختلالات تجاری را کاهش دهد

نخستین راهکار، تشکیل یک «کنسرسیوم تداوم تجارت و حمل‌ونقل بین‌المللی ایران» با محوریت بخش خصوصی و پشتیبانی دولت است. صاحبان کالا، صادرکنندگان، واردکنندگان، شرکت‌های ریلی و جاده‌ای، فورواردرها، اپراتورهای بندری و تشکل‌های تخصصی باید در کنار نمایندگان دارای اختیار گمرک، راه‌آهن و سازمان بنادر در این مجموعه حضور داشته باشند.

وظیفه اصلی این کنسرسیوم باید ایجاد یک بانک اطلاعاتی به‌روز از ظرفیت مسیرها، هزینه حمل، زمان انتظار مرزی، وضعیت بیمه و شرکت‌های آماده پذیرش بار باشد. در این صورت، اگر یک شرکت خارجی از حمل محموله‌ای انصراف داد یا یک مرز با تأخیر مواجه شد، تاجر برای یافتن مسیر جایگزین ناچار به شروع دوباره فرآیند مذاکره نخواهد بود. دومین راهکار، انعقاد قراردادهای پشتیبان با شرکت‌های حمل‌ونقل کشورهای مسیر است. معرفی یک مسیر جایگزین بدون رزرو واگن و کامیون، توافق بیمه‌ای و مشخص بودن نحوه پرداخت، ارزش عملیاتی ندارد. اجرای چند محموله آزمایشی از مسیرهای مختلف نیز می‌تواند هزینه و زمان واقعی انتقال کالا را مشخص کند و مانع تصمیم‌گیری بر اساس ظرفیت‌های صرفاً اسمی شود. سومین راهکار، ایجاد خدمات مشترک برای بنگاه‌های کوچک و متوسط است. این شرکت‌ها معمولاً توان ایجاد شبکه مستقل خارجی یا مذاکره مستقیم با فورواردرهای روسی را ندارند. تجمیع بار، انبار مشترک، خدمات بسته‌بندی و قراردادهای حمل گروهی می‌تواند هزینه صادرات آنها را کاهش دهد. توسعه سردخانه‌ها و زنجیره سرد نیز برای جلوگیری از فساد محصولات کشاورزی و غذایی ضروری است.



به جای نمایش تاریکی، چراغ خدمت را روشن کنید

گزارش

انتشار تصاویر مصاحبه تلویزیونی پزشکیان در اتاقی تاریک و سرد، در حالی که پزشکیان با کاپشن پشت دوربین نشسته است، صرفاً یک اقدام تبلیغاتی برای ترویج صرفه‌جویی در مصرف انرژی نیست؛ این تصویر در شرایط حساس جنگی، حامل پیام‌های سیاسی و امنیتی نیز هست؛ پیام‌هایی که متأسفانه می‌تواند از سوی دشمنان ایران به‌عنوان نشانه ضعف، ناتوانی و شکنندگی کشور تفسیر و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

تردیدی نیست که صرفه‌جویی در مصرف انرژی ضرورتی انکارناپذیر است و همه مردم و مسئولان باید در مدیریت منابع کشور مشارکت کنند. اما میان فرهنگ‌سازی برای مصرف بهینه و نمایش خاموشی در دفتر پزشکیان تفاوت بسیاری وجود دارد. پزشکیان قرار نیست با خاموش کردن چراغ اتاق کارش، مسئولیت دولت در تأمین برق پایدار و مدیریت زیرساخت‌های انرژی را به حاشیه براند.

مسئله مهم‌تر، زمان و شرایطی است که چنین تصاویری منتشر می‌شود. ایران درگیر جنگی تمام‌عیار با دشمنانی است که از هر فرصت و نشانه‌ای برای القای ضعف و ناتوانی کشور استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، بالاترین مقام اجرایی کشور باید تصویر اقتدار، ثبات، توان مدیریتی و تاب‌آوری ملی را به نمایش بگذارد؛ نه اینکه با نمایش اتاق تاریک، ناخواسته تصویری از ناتوانی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زیرساختی کشور ارائه کند.

این اتفاق در کنار برخی اظهارات دیگر پزشکیان، نگران‌کننده‌تر می‌شود چراکه این اظهارات به‌سرعت مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار می‌گیرد و سخنان او را با عنوان اعتراف به تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران بازتاب می‌دهند. چنین بازتابی نشان می‌دهد که دشمن چگونه از سخنان مسئولان ایرانی برای تقویت روایت خود درباره موفقیت سیاست فشار اقتصادی استفاده می‌کند.

درواقع، وقتی پزشکیان مکرراً از ناتوانی در فروش نفت، محدودیت در بازگشت ارز، کمبود منابع مالی، کاهش تجارت خارجی و احتمال تشدید گرانی سخن می‌گوید، رسانه‌های دشمن این اظهارات را در چارچوب راهبرد فشار اقتصادی خود بازتعریف می‌کنند. برای رسانه‌ها و محافل حامی سیاست تحریم، چنین سخنانی می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر مؤثر بودن فشارها و دلیلی برای اصرار بر تداوم آن معرفی شود.

البته انکار آثار تحریم‌ها نه منطقی است و نه کمکی به حل مشکلات کشور می‌کند. اما میان بیان واقعیت‌ها و برجسته‌سازی مستمر نقاط ضعف تفاوت وجود دارد. مسئولان باید واقعیت‌ها را به مردم بگویند، اما در کنار آن، برنامه عبور از مشکلات، ظرفیت‌های داخلی و اراده کشور برای خنثی‌سازی فشارها را نیز نشان دهند. بیان مشکلات بدون ارائه راه‌حل و نمایش توانمندی‌ها، عملاً می‌تواند به تقویت جنگ روانی دشمن کمک کند.

دشمنان ایران سال‌هاست با تحریم، تهدید و فشار اقتصادی تلاش می‌کنند این گزاره را به جامعه ایران و افکار عمومی جهان القا کنند که اقتصاد ایران تاب‌آوری ندارد و با تشدید فشارها، کشور ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد. حال سؤال اینجاست که آیا باید با ادبیات و تصاویری که همین روایت را تقویت می‌کند، به این پروژه کمک کرد؟ وقتی رسانه‌های اسرائیلی از یک سو اظهارات پزشکیان درباره اثرگذاری تحریم‌ها را برجسته می‌کنند و از سوی دیگر، تصاویر اتاق تاریک پزشکیان ایران در صدر بحث‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرد، باید درباره پیامدهای چنین رفتارهایی تأمل کرد. این دو تصویر در کنار هم می‌توانند در جنگ روایت‌ها به تصویری از ایران گرفتار در بن‌بست اقتصادی و ناتوان از اداره زیرساخت‌های خود تبدیل شوند؛ تصویری که دقیقاً با اهداف تبلیغاتی دشمنان همخوانی دارد.

نکته اینجاست که دشمن فقط به دنبال آسیب زدن به زیرساخت‌های کشور نیست؛ تضعیف روحیه عمومی، القای ناامیدی و ایجاد این تصور که مقاومت در برابر فشارها نتیجه‌ای ندارد نیز بخشی از جنگ روانی اوست. در چنین شرایطی، هر سخن و هر تصویر از سوی پزشکیان باید با درک دقیق پیامدهای داخلی و خارجی آن انتخاب شود.

مردم از دولت انتظار دارند بدانند برای رفع ناترازی برق و گاز چه برنامه‌ای دارد، چه میزان از ظرفیت نیروگاهی کشور فعال است، چه اقداماتی برای توسعه نیروگاه‌ها، بهینه‌سازی مصرف، کاهش تلفات شبکه و جلوگیری از هدررفت انرژی انجام شده و چرا با وجود ظرفیت‌های عظیم طبیعی و انسانی ایران، تأمین انرژی همچنان به یکی از دغدغه‌های کشور تبدیل شده است.

ساده‌زیستی مسئولان پسندیده است، اما ساده‌زیستی با ساده‌انگاری در اداره کشور تفاوت دارد. مردم از پزشکیان انتظار ندارند در تاریکی بنشیند تا سختی شرایط را به آنها نشان دهد؛ انتظار دارند کاری کند که چراغ خانه‌های مردم خاموش نشود.

در شرایط جنگی، دولت باید به جای ارسال سیگنال ضعف، پیام اقتدار و ایستادگی مخابره کند. باید نشان دهد که تحریم و فشار خارجی نتوانسته اراده کشور را برای اداره امور، تأمین نیازهای مردم و حفظ چرخه تولید از بین ببرد. دشمن باید از توانمندی و ابتکار عمل ایران نگران باشد، نه اینکه از سخنان و تصاویر مسئولان ایرانی برای اثبات موفقیت راهبرد فشار خود استفاده کند.

آقای پزشکیان! هنر مدیریت در خاموش کردن چراغ اتاق نیست؛ هنر آن است که با تدبیر و برنامه‌ریزی، چراغ خانه‌های مردم روشن بماند. هنر آن است که در اوج فشارها، کشور با اقتدار اداره شود و دشمن از مشاهده توانمندی و تاب‌آوری ایران ناامید شود.

> **آقای پزشکیان! هنر مدیریت در خاموش کردن چراغ اتاق نیست؛ هنر آن است که با تدبیر و برنامه‌ریزی، چراغ خانه‌های مردم روشن بماند. هنر آن است که در اوج فشارها، کشور با اقتدار اداره شود و دشمن از مشاهده توانمندی و تاب‌آوری ایران ناامید شود**

دلارزدایی در عمل؛

چگونه سوآپ ارزی و «CIPS» اقتصاد روسیه را نجات داد؟

روسیه در مواجهه با قطع دسترسی به سامانه سوئیفت و بلوکه شدن ذخایر ارزی، با تکیه بر دیپلماسی بانکی و ایجاد زیرساخت‌های بومی، شریان‌های حیاتی اقتصاد خود را از انسداد کامل نجات داده است. قراردادهای کلان سوآپ ارزی با چین و اتصال استراتژیک و پنهان بانک‌های روسی به سیستم پرداخت بین‌بانکی چین (CIPS)، وابستگی مسکو به دلار را به شدت کاهش داده و سهم یوان در بورس روسیه را به ارقام بی‌سابقه‌ای رسانده است. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مقابله با تحریم‌های هوشمند، نیازمند گذار قطعی از ارزهای جهان‌روا و استقرار یک معماری جدید، متقارن و غیرقابل رصد در پرداخت‌های دوجانبه است.

جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ و متعاقب آن اعمال بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های مالی از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، اقتصاد روسیه را در یک شوک ساختاری بی‌نظیر قرار داد. هدف اصلی این تحریم‌ها، قطع کامل دسترسی مسکو به نظام مالی جهانی، مسدودسازی بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار از ذخایر بانک مرکزی در خارج از کشور و اخراج بانک‌های دولتی و خصوصی این کشور از سامانه پیام‌رسان سوئیفت بود. در این فضای پرالتهاب، روسیه به جای انفعال، با بهره‌گیری از هم‌گرایی استراتژیک با پکن، زیست‌بوم جدیدی خلق کرد که اساس آن بر «دلارزدایی» و استفاده از شبکه‌های پرداخت جایگزین استوار است.

یکی از مهم‌ترین پایه‌های این مقاومت مالی، استفاده از قراردادهای «سوآپ ارزی» میان بانک‌های مرکزی دو کشور است که به روسیه و چین اجازه می‌دهد بدون نیاز به دلار یا یورو، نقدینگی لازم برای تجارت را با خلق پول ملی خود تأمین کنند. قرارداد اولیه ۱۵۰ میلیارد یوآنی که در سال ۲۰۱۴ منعقد و بعداً تمدید شد، بستر مناسبی برای این تحول فراهم کرد.

با آغاز تحریم‌های گسترده، تقاضا برای یوان به شدت افزایش یافت؛ به طوری که سهم یوان در معاملات بورس مسکو از تنها ۳ درصد در سال ۲۰۲۲، به رقم شگفت‌انگیز ۹۹.۸ درصد پس از تحریم‌های تابستان ۲۰۲۴ رسید.

بحران نقدینگی یوآنی و راهکار سوآپ شبانه

با وجود این موفقیت ظاهری، روسیه به زودی با بحران نقدینگی یوان در بازارهای داخلی خود مواجه شد. از یک سو تمایل شرکت‌ها به دریافت وام‌های یوآنی افزایش یافته بود و از سوی دیگر، به دلیل تحریم شدن «مرکز تسویه ملی روسیه» (NCC) توسط آمریکا، بانک‌های چینی ارائه خدمات پرداخت به این مرکز را متوقف کردند. برای مهار این بحران، بانک مرکزی روسیه یک ابزار سیاستی جدید شامل سوآپ ارزی خرید و فروش یوان/روبل با سررسید شبانه را راه‌اندازی کرد و سقف روزانه آن را تا ۳۰ میلیارد یوان نیز افزایش داد تا نوسانات شدید نرخ ارز را کنترل کند.

برای تکمیل پازل دلارزدایی، ارزهای ملی نیازمند یک سیستم تسویه و پیام‌رسان ایمن و تحریم‌ناپذیر بودند؛ در اینجا، سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین (CIPS) نقش یک شریان حیاتی را ایفا کرد. این سیستم که از سال ۲۰۱۵ در دو فاز توسعه یافته است، نیاز به بانک‌های تسویه یوانی و پیام‌رسان سوئیفت را کاهش داده و یک بستر یکپارچه برای پردازش فرامرزی ایجاد کرده است. با پیوستن بانک‌های منطقه‌ای روسیه به این سیستم، زیرساخت ارتباطی پایداری خارج از نظارت خزانه‌داری آمریکا شکل گرفت.

صکوک جنگ؛ نسخه تازه دولت برای تأمین مالی بدون چاپ پول

حجت بین‌آبادی
پژوهشگر حوزه بودجه و مالی

در شرایطی که تأمین هزینه‌های دفاعی با محدودیت منابع بودجه‌ای و نگرانی از تشدید تورم همراه شده، انتشار «صکوک جنگ» به عنوان راهکاری برای جذب نقدینگی و تأمین مالی غیرپولی مطرح شده؛ ابزاری که با تکیه بر اجاره شناور، سررسیدهای پلکانی و مشارکت سرمایه‌گذاران خرد و نهادی می‌تواند منابع موردنیاز را تأمین کند. مقاومت و پیروزی کشور در افق شش ماهه آینده، امروز بر هر اولویت دیگری در نظام تصمیم‌گیری مقدم است. در نبردی که ابعاد آن فراتر از یک درگیری نظامی محدود و در قالب جنگ ترکیبی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی شده، تأمین مالی فوری و پایدار هزینه‌های دفاعی به مهم‌ترین دغدغه نظام مدیریت مالی بخش عمومی تبدیل شده است.

واقعیت آن است که موکول کردن بار مالی جنگ به سال‌های آتی و انتشار اوراق بدهی، نه یک انتخاب ایده‌آل، بلکه «خیرالموجودین» برای حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از فروپاشی زیرساخت‌های مالی کشور در کوتاه‌مدت است. در چنین شرایطی، طراحی و انتشار «صکوک جنگ» به عنوان یک ابزار مالی اسلامی، دقیق‌ترین پاسخ به این نیاز راهبردی است.

ضرورت تاریخی و راهبردی؛ از الگوی دشمن تا نیاز داخلی

نگاهی به سازوکارهای تأمین مالی رژیم صهیونیستی در جنگ غزه، الگوی عملیاتی روشنی پیش روی ما قرار می‌دهد. بر پایه پژوهش نهادهای مالی مستقل، این رژیم کودک‌کش تنها در بازه اکتبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۵ بالغ بر ۱۹.۴ میلیارد دلار اوراق بدهی جنگ منتشر کرده است و بانک‌های سرمایه‌گذاری بزرگ بین‌المللی، به‌ویژه گلدمن ساکس با پذیره‌نویسی بیش از ۷ میلیارد دلار، نقش اصلی را در این تأمین مالی ایفا کرده‌اند. در مارس ۲۰۲۴ نیز اوراق دلاری ۸ میلیارد دلاری با سررسیدهای ۵، ۱۰ و ۳۰ ساله منتشر شد که تقاضای ثبت‌شده برای آن به حدود ۳۸ میلیارد دلار رسید. این ارقام نشان می‌دهد که حتی رژیمی با پشتوانه مالی غرب، ناچار است بار سنگین جنگ را از طریق بازار بدهی و نه صرفاً منابع بودجه‌ای مدیریت کند. ما نیز در شرایطی قرار داریم که کسری بودجه سال ۱۴۰۵ براساس برآوردهای تحلیلگران خبره به حدود ۱۰۰۰ همت می‌رسد و کسری تراز عملیاتی نیز حدود ۶۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. در چنین شرایطی، پوشش هزینه‌های جنگ از طریق استقراض از بانک مرکزی، پایه پولی را منبسط کرده و تورم را تشدید می‌کند. حجم نقدینگی کشور در مهرماه ۱۴۰۵ بالغ بر ۱۹ هزار و ۳۱۶ هزار میلیارد تومان و رشد سالانه آن ۵۰.۹ درصد گزارش شده است. تورم دوازده‌ماهه منتهی به مهر ۱۴۰۵ نیز ۷۱.۴ درصد اعلام شده است. در چنین محیط تورمی، هرگونه تأمین مالی پولی، بحران را تعمیق می‌کند. صکوک جنگ، ابزاری است که نقدینگی مازاد موجود در دست خانوارها و نهادها را به سمت تأمین مالی دفاع هدایت می‌کند، بدون آنکه باری بر پایه پولی تحمیل کند.

مهندسی مالی صکوک جنگ؛ از طراحی تا اجرا

نکته کلیدی در طراحی صکوک جنگ، پرهیز از نرخ ثابت است. در حال حاضر نرخ سود اوراق صکوک در بازار سرمایه ایران عمدتاً ثابت و در حدود ۲۳ درصد تعیین می‌شود، در حالی که تورم ۷۱ درصدی، بازده واقعی این اوراق را به شدت منفی می‌کند و انگیزه خرید را از بین می‌برد. راه‌حل، استفاده از صکوک اجاره به شرط تملیک با اجاره شناور است.

در این ساختار، دولت دارایی واقعی (زیرساخت یا تجهیزات) را به یک شرکت واسط منتقل می‌کند، واسط صکوک را منتشر و دارایی را به دولت اجاره می‌دهد. فرمول اجاره هر دوره ترکیبی از یک نرخ پایه ثابت و ضریبی از تورم دوره قبل، با سقف مشخص (مثلاً ۴۵ تا ۵۰ درصد) است. کمیته فقهی سازمان بورس شناورسازی نرخ صکوک را تصویب کرده و این سازوکار از نظر شرعی و مقرراتی قابل اجراست. سررسیدها باید لایه‌ای (یک، سه و پنج ساله) و بازپرداخت اصل به صورت اقساط سالانه باشد تا «صخره سررسید» شکل نگیرد. تأسیس صندوق ذخیره بازپرداخت که بخشی از عواید به آن واریز شود، از نیاز به استقراض مجدد در زمان سررسید جلوگیری می‌کند. این اوراق باید در چارچوب قانون بازار اوراق بهادار و با نظارت سازمان بورس در فرابورس پذیرش شوند تا نقدشوندگی و شفافیت تضمین شود.

بار مالی تعهدات و افق بازپرداخت

دولت در ماه‌های پیش رو با حجم قابل توجهی از سررسیدهای اوراق منتشرشده مواجه است، به طوری که در بهمن و اسفندماه ۱۴۰۵ باید بیش از ۱۹۳ همت تعهدات بازپرداخت اصل و فرع اوراق منتشره تسویه شود. انتشار اوراق جنگ با ساختار استهلاک تدریجی، بار مالی را در طول زمان توزیع می‌کند و از یک شوک نقدینگی در سال‌های ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۷ جلوگیری می‌نماید. تمدید خودکار در صورت بروز اختلالات جنگی، دریچه امنی است که از اعلام رسمی نکول جلوگیری می‌کند. بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، راهکارهای اجرایی و سیاستی ذیل پیشنهاد می‌شود.

قفل کردن فرمول در اسناد انتشار: ریسک اصلی اوراق جنگ برای سرمایه‌گذار، تغییر یک‌طرفه شرایط توسط دولت در شرایط اضطراری است. اگر دولت در آینده نرخ کوپن را کاهش دهد، سررسید را تمدید کند یا پرداخت را متوقف کند، اعتماد عمومی به سرعت فروریخته و عرضه‌های بعدی با شکست مواجه می‌شوند. راهکار این است که فرمول محاسبه اجاره (نرخ پایه ثابت + ضریب تورم + سقف) و سازوکار استهلاک تدریجی در اساس‌نامه صکوک و دستورالعمل انتشار تثبیت شود و هرگونه تغییر نیازمند مصوبه شورای عالی بورس باشد، نه تصمیم اداری. این «قفل حقوقی» به سرمایه‌گذار اطمینان می‌دهد که بازدهی مورد انتظارش دستخوش تصمیمات خلق‌الساعه نخواهد شد.



مشوق‌های مالیاتی و وثیقه‌ای: جذابیت اقتصادی اوراق جنگ باید فراتر از نرخ بازدهی در نظر گرفته شود. در مرحله نخست، معافیت مالیاتی سود یا اجاره حاصل از این صکوک برای خریداران حقیقی باید اعمال شود و دوم، پذیرش این اوراق به عنوان وثیقه معتبر برای دریافت تسهیلات بانکی رسمیت پیدا کند. این دو مشوق، اوراق جنگ را از یک «دارایی منجمد تا زمان سررسید» به ابزاری نقدشونده و دارای کارکرد مضاعف تبدیل می‌کند و انگیزه خرید را برای اقشار متوسط و حتی نهادهایی که به دنبال وثیقه باکیفیت هستند، افزایش می‌دهد.

الزام سرمایه‌گذاری نهادی: تقاضای خرد به تنهایی نمی‌تواند حجم تأمین مالی جنگ را پوشش دهد. تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که نهادهای مالی بزرگ ستون اصلی پذیره‌نویسی اوراق جنگ هستند. در ایران نیز باید حداقلی از منابع سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی به تخصیص بخشی از پرتفوی خود به صکوک جنگ اختصاص پیدا کند. این نهادها به دلیل ماهیت بلندمدت تعهداتشان، خریداران طبیعی سررسیدهای میان‌مدت (سه و پنج ساله) هستند و حضور آنها کف تقاضای پایه را تضمین می‌کند و از شکست عرضه اولیه جلوگیری می‌کند.

بازارگردانی و تضمین نقدشوندگی: خریدار خرد باید بداند که در صورت نیاز می‌تواند پیش از سررسید از اوراق خارج شود. نبود بازارگردان معتبر، ریسک نقدشوندگی را به شدت بالا برده و انگیزه خرید را نابود می‌کند. سازمان بورس باید بازارگردان‌های دارای مجوز را برای این صکوک تعیین کند تا در بازار ثانویه فرابورس، همیشه قیمت خرید و فروش منطقی وجود داشته باشد. نقدشوندگی پایین، بزرگ‌ترین دشمن اقبال عمومی به هر ابزار بدهی است.

بسیج مردمی و شفافیت هزینه کرد منابع حاصل از انتشار صکوک جنگ: بدون مشارکت مردمی، صکوک جنگ به یک ابزار نهادی محدود می‌ماند. تجربه دوران دفاع مقدس نشان داد که سرمایه اجتماعی بزرگ‌ترین پشتوانه تأمین مالی جبهه بوده است. امروز باید با استفاده از رسانه‌ها، پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های مردمی، امکان خرید خرد و آسان این اوراق فراهم شود و خرید آن به یک تکلیف ملی تبدیل شود. در کنار این بسیج، شفافیت کامل در مصرف وجوه و حسابرسی مستقل از دولت ضروری است. اگر مردم ببینند منابع صکوک صرفاً به سرفصل‌های مشخص دفاعی و بازسازی تخصیص پیدا می‌کند و گزارش‌های دوره‌ای منتشر می‌شود، اعتماد حفظ خواهد شد و عرضه‌های بعدی نیز با استقبال مواجه می‌شوند.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۲ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۳

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



تناقض در اتاق فرمان اقتصاد؛

چرا تاوان کسری ریالی را معیشت و تولید می‌دهد؟

با وجود تأیید ثبات ذخایر ارزی توسط بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه با اتخاذ سیاست‌های انقباضی و حذف میلیون‌ها نفر از طرح کالابرگ، فشار مضاعفی بر معیشت خانوارها در شرایط اقتصاد جنگی وارد کرده است. این رویکرد متناقض در کنار افزایش شدید هزینه تأمین مالی تولید به بیش از ۱۰۰ درصد، نشان می‌دهد که ریشه بحران نه در کمبود ارز، بلکه در سوءمدیریت منابع ریالی و مماشات با فرارهای مالیاتیِ بخش‌های غیرمولد و ابرشرکت‌هاست. برای عبور از این تله ساختاری، سیاست‌گذار باید با توقف فوری انقباض معیشتی، لغو معافیت‌های مالیاتی ناعادلانه و تعدیل نرخ بهره، چتر حمایتی خود را بر سر زنجیره تولید و مصرف‌کننده نهایی بگستراند.

در شرایطی که اقتصاد کشور در بستر جنگ و تنش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای با آزمون‌های سخت تاب‌آوری روبه‌روست، انتظار می‌رود پازل سیاست‌گذاری کلان با محوریت «حمایت از معیشت عمومی» و «پشتیبانی از زنجیره تولید» چیده شود. با این حال، کالبدشکافی تصمیمات اخیر متولیان اقتصادی دولت در حوزه‌های بودجه‌ای، بانکی و حمایتی، پرده از یک تناقض آشکار و نگران‌کننده برمی‌دارد؛ تناقضی که از یک‌سو نویدِ ثبات نسبی ذخایر ارزی را می‌دهد و از سوی دیگر، با انقباض شدید پولی و محدودسازی چتر حمایتی، سنگین‌ترین فشارها را بر معیشت و تولید آوار می‌کند.

معمای ذخایر ارزی و خساست ریالی؛ تاوان سوءمدیریت بر معیشت و تولید

بر اساس گزارش‌های رسمی و اظهارات صریح مسئولان بانک مرکزی، وضعیت ذخایر ارزی کشور به گونه‌ای مدیریت شده که تأمین ارز کالاهای اساسی تا پایان سال تضمین شده و دغدغه‌ای از بابت کمبود منابع ارزی وجود ندارد. مضاف بر این، طبق رویکرد اعلام‌شده، قرار بود تکانه‌های نرخ ارز نسبت به بهمن‌ماه سال گذشته، از طریق سازوکارهای جبران ریالی مستقیم به حساب مردم واریز شود تا سپر دفاعی خانوارها در برابر هجوم تورم شکسته نشود.

با این وجود، در میدان عمل شاهد رویکرد کاملاً متفاوتی از سوی سازمان برنامه و بودجه هستیم. به بهانه محدودیت منابع ریالی و کسری بودجه، اقداماتی نظیر حذف میلیون‌ها نفر از دایره مشمولان کالابرگ الکترونیکی یا عدم تخصیص کامل افزایش اعتبارها در دستور کار قرار گرفته است. این دوگانگی رفتاری نشان می‌دهد که ریشه بحران‌های حمایتی در کشور نه در «مضیقه ارزی»، بلکه در «سوءمدیریت منابع ریالی، ضعف در اولویت‌بندی‌های بودجه‌ای و چاه‌های نشتی مالی دولت» نهفته است.

نقص چتر حمایتی؛ حذف غیرقانونی یارانه بگیران در روزهای بحران

آمارها گویای آن است که در تازه‌ترین مراحل بازنگری وزارت رفاه، بخش قابل توجهی از خانوارهای ایرانی از فهرست دریافت کالابرگ خط خورده‌اند یا اساساً در طرح‌های افزایش اعتبار لحاظ نشده‌اند. این در حالی است که اعضای هیات رئیسه مجلس و نمایندگان طی نامه‌های رسمی و تذکرات پیاپی، این دست از غربالگری‌ها و حذف‌های شتاب‌زده را فاقد وجاهت و مجوز قانونی دانسته‌اند.

طرح این پرسش در اینجا استراتژیک و ضروری است: فلسفه وجودی طرح کالابرگ در شرایط اقتصاد جنگی چه بوده است؟ آیا قرار است این طرح نیز به سرنوشت یارانه‌های نقدیِ مرسوم دچار شود و با ابزارهای پرخطای دهک‌بندی به جان اقشار ضعیف بیفتد، یا هدف اصلی آن ایجاد یک چتر حمایتیِ فراگیر برای حفظ حداقل‌های معیشتی در برابر تکانه‌های تورمی بوده است؟ کشاندن دستگاه‌های متولی به فرآیندهای فرسایشی، خطادار و اختلاف‌برانگیز اجرایی برای حذف یارانه خانوارها، تنها به هدررفت انرژی و سرمایه اجتماعی نظام در روزهای بحرانی منجر می‌شود.

قیچی رکود و تورم؛ تولید ملی زیر تیغ نرخ بهره سه‌رقمی

در بخش تولید و تأمین مالی نیز، سیاست‌های اعمال‌شده توسط بانک مرکزی و تیم اقتصادی، قفل‌شدگی عمیق و رکود تورمی بی‌سابقه‌ای را رقم زده است. افزایش افسارگسیخته نرخ بهره بانکی و رساندن هزینه تأمین مالی تولیدکنندگان به ارقام مهلک بالای ۱۰۰ درصد در سال، در کنار رکود ناشی از کاهش قدرت خرید در سمت تقاضا، تولید ملی را در یک منگنه خردکننده قرار داده است.

نکته به‌شدت تأمل‌برانگیز اینجاست که متولیان اقتصادی در مواجهه با کسری بودجه، دیواری کوتاه‌تر از قدرت خرید مردم و سرمایه در گردش تولید پیدا نمی‌کنند؛ اما از سوی دیگر، کمترین اراده‌ای برای اخذ مالیات از بخش‌های غیرمولد، دلالان دارایی و ابرشرکت‌های خصولتی پردرآمدی که در شرایط جنگی کوچکترین آسیبی ندیده‌اند، نشان نمی‌دهند. بار مالی این انضباط مالیِ کاذب و پرتناقض، مستقیماً بر دوش طبقات متوسط و فرودست و زنجیره مولد اقتصاد سنگینی می‌کند.

فرماندهی اقتصاد جنگی؛ نقشه راهی برای عبور از تله‌های ساختاری

برای عبور از این تله‌های بودجه‌ای و جلوگیری از تکرار حوادث تلخ گذشته، اصلاح فوری فرمانِ سیاست‌گذاری اقتصادی یک الزام قطعی است. اندیشکده‌ها و پژوهشگران اقتصادی، برای خروج از این بن‌بست سه راهکار مشخص و ایجابی را پیشنهاد می‌دهند:

۱. توقف فوری اقدامات انقباضی معیشتی: تجدیدنظر در فرآیند پرخطای حذف مشمولان کالابرگ و بازگرداندن فراگیر پوشش حمایتی.

۲. اصلاح عادلانه ساختار مالیاتی: شیفتِ بار تأمین مالی دولت از روی دوش تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی، به سمت شناسایی فراریان مالیاتی، فعالیت‌های سفته‌بازانه، سوداگرانه و لغو معافیت‌های مالیاتی ناعادلانه ابرشرکت‌ها.

۳. تعدیل نرخ‌های بانکی و تنفس به تولید: کاهش منطقی هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها با هدف جلوگیری از ورشکستگی صنایع، حفظ اشتغال موجود و جلوگیری از تعمیق رکود در سمت عرضه.

اقتصاد جنگی نیازمند فرماندهی متمرکز، تصمیمات شجاعانه و تکیه بر «مردم» به عنوان پشتوانه اصلی قدرت ملی است. تضعیف معیشت و فلج کردن تولید به بهانه مدیریت منابع ریالی، دقیقاً همان نقطه‌ای است که پازل دشمن را در جبهه جنگ اقتصادی تکمیل می‌کند؛ خطای راهبردی و مهلکی که اصلاح آن باید پیش از پایان سال، در صدر اولویت‌های دولت قرار گیرد.



راهکار مدیریت تولید و مصرف در شرایط ناترازی گاز کشور چیست؟

گزارش

با تداوم ناترازی ساختاری گاز و باقی ماندن حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت آسیب‌دیده پالایش گاز خارج از مدار، زمستان ۱۴۰۵ به آزمونی برای حکمرانی انرژی کشور تبدیل شده است. در چنین شرایطی، محدودیت یکسان و غیرهدفمند گاز صنایع، بدون توجه به نقش آن‌ها در زنجیره تأمین، میزان اشتغال و ارزش افزوده، می‌تواند کمبود انرژی را به اختلال گسترده‌تر در تولید و اقتصاد کشور تبدیل کند. عبور کم‌هزینه از این وضعیت مستلزم استقرار نظامی شفاف و داده‌محور برای تخصیص گاز است که ضمن تأمین نیاز ضروری خانوارها، حفظ صنایع راهبردی و بیشترین ظرفیت تولید ملی را در اولویت قرار دهد.

زمستان امسال، شبکه گاز کشور با مسئله‌ای فراتر از ناترازی معمول سال‌های گذشته روبه‌روست. آسیب واردشده به چهار پالایشگاه گاز کشور در جریان حملات اسفند ۱۴۰۴، بخشی از ظرفیت فرآورش گاز را از مدار خارج کرده و هم‌زمان با افزایش فصلی مصرف، فشار مضاعفی بر شبکه تأمین انرژی وارد آورده است. در چنین شرایطی، نحوه تخصیص گاز میان بخش‌های مختلف اقتصاد به یکی از تصمیم‌های مهم حکمرانی اقتصادی تبدیل شده است؛ تصمیمی که آثار آن مستقیماً بر رفاه خانوار، تولید صنعتی، اشتغال و ارزآوری کشور اثر می‌گذارد.

به گفته مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، از مجموع حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت روزانه‌ای که در پی آسیب به چهار پالایشگاه پارس جنوبی از دسترس خارج شد، نزدیک به ۱۰۰ میلیون مترمکعب به مدار بازگشته و حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب همچنان بازیابی نشده است. این در حالی است که ناترازی گاز در اوج مصرف زمستان‌های گذشته حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز برآورد می‌شد. بر همین اساس، مدیرعامل شرکت ملی گاز مجموع ناترازی و کاهش ظرفیت تأمین در اوج مصرف امسال را حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب در روز اعلام کرده است.

در اظهارات برخی دیگر از مسئولان، ارقام ۴۳۰ و حتی ۵۳۰ میلیون مترمکعب نیز مطرح شده است. این ارقام بدون بررسی مبنای محاسبه نباید معادل یکدیگر تلقی شوند؛ برای مثال، در برآورد ۵۳۰ میلیون مترمکعبی، کل ظرفیت اولیه آسیب‌دیده به ناترازی سال گذشته اضافه شده، درحالی‌که بخشی از آن بازیابی شده است. بنابراین، انتشار یک برآورد واحد همراه با تفکیک ناترازی ساختاری، ظرفیت آسیب‌دیده و میزان بازیابی‌شده، پیش‌شرط تصمیم‌گیری و ارزیابی دقیق وضعیت شبکه است.

فشار مصرف خانگی و ضرورت مدیریت تقاضا

افزایش مصرف بخش خانگی و تجاری در روزهای سرد، مهم‌ترین عامل تشدید فشار فصلی بر شبکه گاز است. بر اساس آمار شرکت ملی گاز، مصرف بخش‌های خانگی، تجاری و صنایع جزء در اوج سرمای زمستان گذشته به حدود ۶۹۰ میلیون مترمکعب در روز رسید که معادل ۷۹ درصد کل گاز تحویلی به شبکه بود. همچنین مدیرعامل شرکت ملی گاز برآورد کرده است که به ازای هر یک درجه افت دمای هوا در روزهای اوج مصرف، تقاضای روزانه گاز حدود ۲۵ میلیون مترمکعب افزایش می‌یابد.

این ارقام ضرورت اصلاح الگوی مصرف را نشان می‌دهد؛ با این حال، مدیریت مصرف نباید صرفاً به توصیه عمومی به مردم محدود شود. بهینه‌سازی موتورخانه‌ها، جایگزینی تجهیزات گرمایشی کم‌بازده، عایق‌کاری ساختمان‌های پرمصرف و اجرای برنامه‌های هدفمند کاهش مصرف باید در اولویت قرار گیرد. شرکت ملی گاز اعلام کرده است تاکنون حدود ۱۳۰ هزار موتورخانه در کشور اصلاح و بهینه‌سازی شده است؛ ظرفیتی که می‌توان با شناسایی ساختمان‌های پرمصرف و سنجش واقعی صرفه‌جویی ایجادشده توسعه داد.

هزینه ناترازی گاز کشور؛ از محدودیت گاز تا کاهش تولید و اشتغال

محدودیت انرژی در بخش صنعت صرفاً به کاهش مصرف گاز منجر نمی‌شود، بلکه تولید، اشتغال و درآمد ارزی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس اعلام معاون برنامه‌ریزی وزارت صمت، عدم‌النفع برآوردشده صنعت و معدن ناشی از توقف تولید در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۵ حدود ۳۲۲ همت بوده که ۱۲۲ همت آن به ناترازی انرژی نسبت داده شده است. این رقم مربوط به ناترازی انرژی است و نباید تمام آن را به محدودیت گاز نسبت داد؛ تفکیک آثار کمبود برق و گاز برای ارزیابی دقیق‌تر ضروری است.

از سوی دیگر، مصرف عادی گاز صنعت کشور با احتساب پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز اعلام شده، درحالی‌که در جدول بررسی‌شده در شورای عالی انرژی برای دوره محدودیت از آذر تا نیمه اسفند، رقم ۱۶۱ میلیون مترمکعب در نظر گرفته شده است. بنابراین، نحوه توزیع همین ظرفیت محدود میان صنایع اهمیت تعیین‌کننده دارد. محدودیت در یک واحد تولیدکننده مواد اولیه ممکن است زنجیره‌ای از صنایع پایین‌دستی را نیز متوقف کند؛ در مقابل، کاهش مصرف در فعالیتی با امکان جایگزینی سوخت یا انعطاف بیشتر می‌تواند هزینه اقتصادی کمتری داشته باشد.

ذخیره‌سازی و سوخت جایگزین؛ راهکار مکمل، نه جایگزین اصلاح ساختار

شرکت ملی گاز از ثبت رکوردهای جدید ذخیره‌سازی در مخازن شوریجه و سراجه خبر داده و مدیرعامل شرکت ملی گاز در ۱۸ آبان، ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها را بیش از ۳ میلیارد لیتر اعلام کرده است. این اقدامات ظرفیت مدیریت مقطعی محدودیت گاز و استمرار تولید برق را افزایش می‌دهد؛ با این حال، ذخایر سوخت مایع را نباید با ذخایر گاز طبیعی یکسان دانست. همچنین استفاده گسترده از سوخت مایع، محدودیت‌های فنی، هزینه تأمین و حمل‌ونقل و ملاحظات زیست‌محیطی دارد و نمی‌تواند جایگزین پایدار بازسازی زیرساخت‌های گازی شود. در بخش مدیریت تقاضا نیز اقدام‌های اجرایی قابل توسعه است. برای نمونه، شرکت ملی گاز کاهش ۲۰ درصدی مصرف دستگاه‌های اجرایی و تنظیم دمای ادارات روی ۱۸ درجه را ابلاغ کرده است. اجرای ممیزی انرژی، اصلاح تجهیزات و استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارور انرژی نیز باید با شاخص‌های قابل اندازه‌گیری همراه باشد تا صرفه‌جویی ادعایی به صرفه‌جویی واقعی و قابل راستی‌آزمایی تبدیل شود.

از سهمیه‌بندی اضطراری تا حکمرانی هوشمند تخصیص گاز

برای عبور از زمستان و ناترازی گاز کشور در این فصل، لازم است تخصیص گاز در چارچوب یک نظام اولویت‌بندی شفاف انجام شود. در این چارچوب، تأمین نیاز ضروری خانوارها، مراکز درمانی و تولیدکنندگان کالاهای حیاتی باید در اولویت قرار گیرد؛ اما در بخش تولید نیز صنایعی که بر اساس معیارهایی مانند ارزش افزوده به ازای واحد گاز، میزان اشتغال، نقش در تأمین کالاهای اساسی، پیوند با زنجیره‌های پایین‌دستی، ارزآوری و امکان استفاده از سوخت جایگزین اهمیت راهبردی دارند، باید مورد حمایت هدفمند قرار گیرند. چنین سازوکاری مانع از آن می‌شود که محدودیت یکسان و غیرهدفمند، صنایع راهبردی و فعالیت‌های کم‌اهمیت را به یک اندازه تحت فشار قرار دهد.

> **مسئله ناترازی گاز را نمی‌توان هر سال با بخشنامه‌های مقطعی، محدودیت صنایع و درخواست کاهش مصرف خانوارها مدیریت کرد. بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده، توسعه ذخیره‌سازی، افزایش بهره‌وری تجهیزات و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید و انتقال، باید درکنار مدیریت تقاضا دنبال شود**

درنهایت، مسئله ناترازی گاز را نمی‌توان هر سال با بخشنامه‌های مقطعی، محدودیت صنایع و درخواست کاهش مصرف خانوارها مدیریت کرد. بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده، توسعه ذخیره‌سازی، افزایش بهره‌وری تجهیزات و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید و انتقال، باید در کنار مدیریت تقاضا دنبال شود. وزارتخانه‌های نفت، نیرو و صمت نیز باید با انتشار منظم اطلاعات عرضه، مصرف و میزان تخصیص به بخش‌های مختلف، زمینه ارزیابی عمومی و اصلاح به‌موقع تصمیم‌ها را فراهم کنند. هدف سیاست انرژی نباید صرفاً عبور از روزهای سرد با کمترین میزان قطع گاز باشد؛ بلکه باید حفظ هم‌زمان رفاه خانوار، ظرفیت تولید ملی و امنیت تأمین انرژی را دنبال کند.

ضرورت تأمین سوخت و مدیریت مصرف؛

چالش تامین برق زمستانی در تنگنای گاز

با رسیدن مصرف گاز خانگی به ۴۸۱ میلیون مترمکعب و هشدار تنش گازی در ۱۱ استان، تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صرفه‌جویی اهمیت بیشتری یافته است.

تأمین برق پایدار در زمستان، به اندازه روزهای گرم سال اهمیت دارد؛ هرچند فشار بر شبکه انرژی در این فصل، بیشتر از مسیر افزایش مصرف گاز نمایان می‌شود. کاهش دما، نیاز به گرمایش را افزایش می‌دهد و هم‌زمان، تأمین سوخت نیروگاه‌ها را به مسئله‌ای حساس تبدیل می‌کند. در این شرایط، استمرار تولید برق نیازمند هماهنگی میان تامین‌کنندگان سوخت، بهره‌برداران نیروگاهی و مصرف‌کنندگان است؛ هماهنگی‌ای که باید ضمن حفظ خدمات ضروری، ملاحظات زیست‌محیطی را نیز در نظر بگیرد.

تازه‌ترین اطلاعات اعلام‌شده از سوی شرکت ملی گاز ایران، ابعاد این فشار را روشن‌تر می‌کند. بر اساس این اعلام، مصرف گاز در بخش خانگی طی ۲۴ ساعت گذشته به ۴۸۱ میلیون مترمکعب رسیده است. همچنین تولید روزانه گاز کشور ۷۰۹ میلیون مترمکعب اعلام شده که ۶۸ درصد آن در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف شده است. اختصاص چنین سهمی به این بخش‌ها، اهمیت مهار مصرف غیرضروری و برنامه‌ریزی برای تأمین نیاز سایر مصرف‌کنندگان، از جمله نیروگاه‌ها را افزایش می‌دهد.

زمستان؛ آزمون هم‌زمان شبکه برق و گاز

اهمیت تولید برق در زمستان تنها به روشنایی خانه‌ها محدود نیست. مراکز درمانی، تاسیسات آب‌رسانی، شبکه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل و واحدهای تولیدی برای ادامه فعالیت به برق نیاز دارند. بسیاری از تجهیزات گرمایشی ساختمان‌ها نیز برای راه‌اندازی و گردش آب گرم، وابسته به برق هستند. بنابراین، اختلال در تأمین برق می‌تواند حتی در ساختمان‌های برخوردار از گاز، گرمایش را مختل کند و پیامدهای سرمای هوا را افزایش دهد. حفظ پایداری این دو شبکه، در عمل مسئولیتی به هم پیوسته است.

شرکت ملی گاز، امسال را سالی استثنایی و بسیار دشوار در تأمین گاز توصیف کرده و از قرار داشتن ۱۱ استان در معرض تنش گازی خبر داده است. طبق همین اعلام، تنش تأمین گاز در استان‌های مازندران، گلستان و خراسان شمالی گسترده‌تر خواهد بود. این هشدار، ضرورت آمادگی پیشگیرانه را برجسته می‌کند؛ زیرا مدیریت انرژی در روزهای سرد، فقط با واکنش پس از بروز محدودیت امکان‌پذیر نیست و باید پیشاپیش برای شرایط دشوار برنامه داشت.



افزایش مصرف در بخش‌های خانگی و تجاری، فشار بیشتری بر تأمین گاز وارد می‌کند و ممکن است امکان تحویل سوخت به نیروگاه‌ها را محدود سازد. با این حال، از تفاضل آمار تولید و مصرف اعلام‌شده نمی‌توان مستقیماً سهم گاز قابل تحویل به نیروگاه‌ها را محاسبه کرد؛ زیرا سایر بخش‌ها نیز مصرف‌کننده گاز هستند و الزامات عملیاتی شبکه باید لحاظ شود. آنچه روشن است، افزایش اهمیت مدیریت تقاضا برای کمک به تأمین پایدار انرژی در همه بخش‌هاست.

در چنین وضعیتی، آمادگی نیروگاه‌ها باید هم از منظر تجهیزات تولید و هم از نظر دسترسی به سوخت بررسی شود. آماده بودن واحد تولید، بدون اطمینان از سوخت‌رسانی مستمر، تضمین‌کننده تأمین برق نیست. به همین ترتیب، وجود سوخت نیز در صورت آماده نبودن تجهیزات، به تولید قابل اتکا منجر نمی‌شود. برنامه زمستانی باید این دو بخش را هم‌زمان پوشش دهد و احتمال تشدید سرما، افزایش تقاضا یا اختلال در حمل سوخت را در محاسبات خود بگنجاند.

سوخت جایگزین؛ پشتوانه تولید با ملاحظات محیط زیستی

استفاده از سوخت مایع در نیروگاه‌های دارای قابلیت فنی، یکی از راه‌های حفظ تولید هنگام محدودیت گاز است. با این حال اتکا به این امکان نیازمند ذخیره‌سازی به‌موقع، آماده بودن مخازن، سلامت خطوط انتقال و آمادگی تجهیزات مصرف سوخت جایگزین است. صرف اعلام ظرفیت مخازن، تصویر دقیقی از آمادگی نیروگاه ارائه نمی‌دهد؛ زیرا موجودی قابل مصرف و امکان برداشت و تأمین مجدد سوخت تعیین می‌کند این پشتوانه تا چه اندازه در شرایط اضطراری کارآمد خواهد بود.

مدت تأمین سوخت هر نیروگاه نیز باید متناسب با سطح تولید آن سنجیده شود. مخزنی که در بار پایین برای مدت بیشتری پاسخ‌گوست، هنگام افزایش تولید سریع‌تر تخلیه می‌شود. از سوی دیگر، برف و یخبندان می‌تواند جابه‌جایی سوخت را دشوار کند. به همین دلیل، برنامه تأمین نباید فقط بر موجودی روز تکیه داشته باشد؛ بلکه استمرار حمل، ظرفیت تخلیه و مسیرهای پشتیبان نیز باید بررسی شود تا محدودیت گاز به توقف ناخواسته تولید برق منجر نشود.

در کنار این ضرورت، ملاحظات زیست‌محیطی جایگاه مستقلی دارد. گازوئیل و نفت‌کوره، از نظر ویژگی‌ها و آثار انتشار، یکسان نیستند و شرایط همه نیروگاه‌ها نیز مشابه نیست. نوع و کیفیت سوخت، فناوری واحد، تجهیزات کنترل آلایندگی و محل استقرار نیروگاه، بر پیامدهای مصرف سوخت مایع اثر می‌گذارد. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره سوخت جایگزین باید با توجه به مشخصات هر نیروگاه انجام شود، نه با تعمیم یک حکم کلی به تمام واحدهای تولید برق کشور.

این حساسیت در نزدیکی مناطق پرجمعیت و هنگام پایداری جو بیشتر می‌شود. نظارت بر کیفیت سوخت تحویلی، پایش انتشار آل آینده‌ها و اطلاع‌رسانی روشن درباره نتایج آن، بخش ضروری مدیریت زمستانی است. هم‌زمان افزایش آمادگی واحدهای پربازده و کاهش خروج اضطراری نیروگاه‌ها می‌تواند به استفاده بهتر از سوخت کمک کند. هدف باید حفظ تولید برق با کمترین فشار ممکن بر منابع سوخت و محیط زیست باشد، نه نادیده گرفتن یکی از این مسئولیت‌ها به سود دیگری.

یک درجه کاهش دما؛ مشارکت در پایداری انرژی

در سوی دیگر این زنجیره، رفتار مصرف‌کنندگان نقش مهمی دارد. شرکت ملی گاز اعلام کرده اگر مشترکان دمای محیط خانه خود را یک درجه کاهش دهند، صرفه‌جویی حاصل معادل تولید گاز یک فاز پارس جنوبی خواهد بود. این برآورد، اهمیت تجمیع اقدام‌های کوچک را نشان می‌دهد؛ اقدامی که در مقیاس یک خانه محدود به نظر می‌رسد، با همراهی گسترده مشترکان می‌تواند به کاهش فشار بر شبکه و افزایش انعطاف در تأمین سوخت سایر بخش‌ها کمک کند.

تنظیم متعادل وسایل گرمایشی، پرهیز از گرم کردن بیش از اندازه اتاق‌ها، استفاده از پوشش مناسب فصل و جلوگیری از اتلاف گرما، از راهکارهای مدیریت مصرف است. درزگیری نیز باید بدون مسدود کردن مسیرهای ضروری تهویه انجام شود. سرویس وسایل گازسوز و رعایت اصول ایمنی اهمیت دارد و کاهش مصرف نباید به استفاده از تجهیزات غیراستاندارد منجر شود. ساختمان‌های اداری و تجاری نیز با تنظیم ساعات فعالیت سامانه‌های گرمایشی می‌توانند مصرف غیرضروری را کاهش دهند.

البته صرفه‌جویی مردم جایگزین مسئولیت دستگاه‌های متولی در تأمین سوخت، تعمیرات نیروگاهی و بهبود زیرساخت‌ها نیست؛ بلکه مکمل آن است. هشدار تنش گازی در ۱۱ استان نشان می‌دهد عبور از زمستان به اقدام هماهنگ نیاز دارد. ذخیره‌سازی سوخت جایگزین، آماده‌به‌کاری نیروگاه‌ها، نظارت محیط زیستی و مدیریت مصرف باید هم‌زمان دنبال شود. در این مسیر، کوچک‌ترین اقدام‌های مدیریت مصرف نیز می‌تواند کمک بزرگی به پایداری شبکه گاز و استمرار تولید برق باشد.